

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»

سال دوم/ شماره سوم/ پائیز ۱۳۹۳

نگاهی نو به ارائه جزئیات در قرآن کریم بر اساس زبان‌شناسی نقشگرا

حسین رضویان^۱ و معصومه عزیزی^۲

چکیده

تاکنون بررسی‌های زبان‌شناختی بسیاری درباره قرآن کریم صورت گرفته است که عمدتاً در زمینه معنی‌شناسی و تجزیه و تحلیل متن قرآن (تحلیل گفتمان قرآن) بوده است. این پژوهش قصد دارد تا جزئیات ارائه شده در دو سوره از قرآن کریم را با رویکردی نو بررسی کند. برای این منظور با تکیه بر رویکرد نقش‌گرایی هالییدی به بررسی افزوده‌های حاشیه‌ای سوره‌های مبارکه مائده و یوسف به عنوان نمونه‌های سوره‌های مدنی و مکی می‌پردازیم. در دستور نقشگرای نظام‌مند مطرح شده توسط هالییدی، افزوده‌های حاشیه‌ای، سومین نقش از نقش‌های سه‌گانه فرانقش اندیشگانی هستند که حاوی جزئیات و اطلاعات حاشیه‌ای درباره متن هستند. افزوده‌های حاشیه‌ای با ارائه اطلاعات و جزئیات بیشتر، ابزاری برای توصیف دقیق‌تر یک فعل، ابهام‌زدایی و افزایش محتوای تجربی متن محسوب می‌شوند. نگارندگان پس از استخراج این افزوده‌ها و تعیین بسامد آنها در سوره‌های مذکور، به تفسیر انواع افزوده در این دو سوره پرداخته و دلایل وجود افزوده‌ها با توجه به فراوانی آنها را بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که در مجموع، میزان استفاده از افزوده‌ها در سوره مدنی مائده بیش از سوره مکی یوسف است. پربسامدترین افزوده‌ها در هر دو سوره افزوده‌های سبب (دلیل، هدف و ذینفع) و موقعیت (مکان و زمان) هستند که مورد اخیر در سوره مبارکه مائده از بسامد بالاتری برخوردار است. پس از این دو، افزوده‌های احتمال (شرط، پیش‌فرض و سازش)، افزوده‌های حالت (وسیله، کیفیت، مقایسه و درجه) و همراهی (هم‌کنشی و افزایشی) دارای بیشترین بسامد و افزوده‌های موضوع، نقش (ظاهر و محصول) دارای کمترین بسامد هستند و افزوده زاویه دید (منبع و نقطه-نظر) در هیچ یک از دو سوره یافت نشد. جزئیاتی از جنس سبب، علت و انگیزه یک عمل، نشان‌دهنده توجه ویژه پروردگار به منشأ و سبب امور و دعوت مخاطبان به تدبیر در این امور است. بسامد بالای افزوده‌های موقعیت نیز حاکی از توجه ویژه خداوند متعال به مخاطب کتاب و محدودیت‌های نوع بشر و قابل فهم ساختن متن قرآن کریم برای مخاطب (انسان) است.

کلمات کلیدی: افزوده‌های حاشیه‌ای . نقش‌گرایی . هالییدی . قرآن کریم . مائده . یوسف

*** تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹

^۱نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه سمنان

^۲کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سمنان

مقدمه

قرآن برترین کتاب خدا و معجزه جاویدان حضرت محمد(ص) است، که بر هر مسلمان معتقد واجب است آن را شناخته، در حد امکان به دیگران نیز بشناساند، آنگونه که رسول اکرم(ص) در این باره می‌فرماید: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ (بحار الانوار جلد ۲، صفحه ۱۸۶) "بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد". تاکنون پژوهش‌های بسیاری در باب قرآن کریم و در حوزه‌های متعدد بویژه زبان‌شناسی صورت گرفته است. بیشتر پژوهش‌های زبان‌شناختی این حوزه در زمینه معنی‌شناسی و تجزیه و تحلیل متن قرآن یا تحلیل گفتمان قرآن بوده است. در هر متن و نوشته‌ای اطلاعات جزئی -افزوده‌های حاشیه‌ای^۱ - نقش بسیار مهمی در ارائه هر چه بهتر مطلب، رفع ابهام و تفهیم آن به خواننده ایفا می‌کند که بی‌شک قرآن کریم به عنوان کلام خداوند، جایگاهی بی‌نظیر در این زمینه نیز دارد.

بدون شک میزان و شیوه استفاده از جزئیات در متن معنادار است. حتی نوع اطلاعات جزئی بکاررفته در متن نیز قابل توجه است. اهمیت این موضوع زمانی مضاعف می‌شود که با متن مقدسی مواجه باشیم که حضور هر کدام از کلمات در آن، تفاسیر مختلفی در پی داشته باشد. این پژوهش قصد دارد تا جزئیات ارائه شده در دو سوره از قرآن کریم را با رویکردی نو بررسی کند. برای این منظور با تکیه بر رویکرد نقش‌گرایی هالییدی^۲ به بررسی افزوده‌های حاشیه‌ای سوره‌های مبارکه مائده و یوسف به عنوان نمونه‌های سوره‌های مدنی و مکی پرداخته و به این سوال پاسخ خواهیم داد که آیا میزان و نوع جزئیات در سوره مدنی مائده و سوره مکی یوسف مشابه است. بنابراین برآنیم تا با استخراج این افزوده‌ها و ارائه تحلیل‌هایی مبتنی بر دستور نقش‌گرای نظام‌مند، گامی هرچند کوچک در فهم بهتر قرآن برداریم.

¹ circumstantial adjunct

² Halliday's functional approach

پیشینه و تاریخچه موضوع

تاکنون بررسی‌های زبان‌شناختی بسیاری در متن قرآن کریم صورت گرفته که عمدتاً در زمینه معنی‌شناسی و تجزیه و تحلیل متن قرآن (تحلیل گفتمان^۱) بوده است، اما هیچ یک از بررسی‌ها اشاره‌ای به افزوده‌های حاشیه‌ای (اطلاعات جزئی) ندارند. تحقیقات قرآنی بسیاری مرتبط با معنی‌شناسی قرآن انجام شده است که به برخی از آنها در بخش زیر اشاره می‌کنیم:

منصوری (۱۳۷۵) به ارزیابی دستاوردهای علوم بشری با میزان اشارات قرآن می‌پردازد که بر اساس اعتقاد ما مسلمانان متصل به علم مطلق و ذات لایتناهی پرودگار است. از این رو کوشیده است تا پاره‌ای از دستاوردهای زبان‌شناسی جدید را از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. بدین منظور برخی از مفاهیم و موضوعات مهم زبان‌شناسی جدید چون فطری بودن زبان در انسان، وجود همگانی‌های زبان، چند لایگی زبان، ارتباط زبانی در حیوانات، ویژگی زبان انسان و اهمیت نگارش، مورد توجه و بحث قرار گرفته و در هر مورد اشارات قرآنی استخراج، ارائه و با استفاده از تفاسیر معتبر دیدگاه قرآن روشن و نتیجه‌گیری شده است.

پیمانی (۱۳۷۶) در پژوهشی به تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در قرآن کریم پرداخته است. وی با این پیش فرض که در کلام علاوه بر القای مقاصد مصرح و اولیه، مقاصد ضمنی و ثانوی نیز القا می‌شود، به بررسی مقاصد ضمنی و ثانوی مکالمات قرآنی پرداخته شده است. در این تحقیق نخست فهرستی از مکالمات موجود در قرآن ارائه، سپس با استفاده از دو اصل همکاری و ادب به بررسی معانی دوم مکالمات قرآنی پرداخته شده است. او به بررسی نظریات گرایس و لیچ در متن قرآن می‌پردازد. گرایس (۱۹۷۵) که برای اولین بار اصل همکاری را ارائه نموده معتقد است، نقض چهار راهکار کیفیت (حقیقت‌گویی)، کمیت (مختصر و مفیدگویی)، ارتباط (مربوط‌گویی) و طریق (روشن و منظم و موجزگویی) باعث به وجود آمدن معانی دوم است. لیچ (۱۹۸۳) که اصل ادب مورد بحث در این تحقیق به او تعلق دارد، رعایت اصول ملاحظه‌کاری، گذشت، تأیید، شکسته نفسی، توافق، همدردی، کنایه، جاذبه و بعضی اوقات صحبت‌گشایی و متلک را علت استفاده سخنگویان زبان از معانی ضمنی می‌داند. او نشان می‌دهد که بیشترین مورد از موارد نقض اصول گرایس در مکالمات قرآنی در اصل کمیت و کمترین آنها در اصل طریق می‌باشد. بیشترین موارد رعایت اصول ادب نیز در اصول جاذبه و کنایه بوده است.

¹ discourse analysis

مطیع (۱۳۷۹) به پیوستگی معنایی آیات در سوره‌های قرآن کریم و راه‌های مطالعه آن در ۱۴ سوره می‌پردازد، وی بیان می‌کند: پیوستگی معنایی آیات یا «تناسق الایات» ارتباط نهان و درونی بین آیات قرآن کریم است. این ارتباط هر چند در نگاه اول به چشم نمی‌آید، اما اولاً وجود دارد، ثانیاً با تفکری روش‌مند می‌توان آن را کشف کرد و بیان نمود. راز این کشف، قرار گرفتن در فضای سوره است تا از برکت دریافت وحدت فضای سوره، بر انسجام و پیوند معنایی آیات نیز پی ببریم. برای قرار گرفتن در چنین فضایی اولاً باید توفیق تفکر و تدبر - به معنای دقیق قرآنی‌اش - رفیق راه شود، ثانیاً روشی مناسب برای راه بردن به لایه‌های درونی سوره بیابیم، روشی که بتواند محور موضوعی هر سوره را کشف کند، محوری که چونان نخ تسبیح باعث ارتباط و اتصال بین دانه‌های آیات شده و سر نخ هر بررسی است. توجه به آغاز و فرجام هر سوره، تکرار تلاوت، توجه به رکوعات سوره‌ها (پاراگراف‌ها)، کلمات کلیدی سوره، سیاق کلام و نحوه بیان مطالب از سویی و نگرش به موقعیت تاریخی، شأن نزول، مخاطبین و داستان‌ها و امثال و اشاراتی که در سوره به آنها پرداخته شده، روشی نیک برای راه‌یابی به فضای سوره و یافتن محور فرضی است.

مصفا جهرمی (۱۳۸۰) نیز به بررسی آغازگرهای متون داستانی و غیر داستانی قرآن کریم براساس نظریه نقش‌گرای نظام مند هالیدی می‌پردازد. وی بیان می‌دارد گرچه هالیدی (۱۹۹۴) در تئوری خود به بررسی آغازگرها در زبان انگلیسی پرداخته است و آن را قابل بسط به سایر زبان‌ها می‌داند، ولی معتقد است که ساخت آغازگر در عربی تفاوت‌هایی با آنچه هالیدی مطرح کرده، دارد. از جمله نتایج جالب این تحقیق اثبات ایدئولوژیک بودن قرآن کریم و پیوند ساخت‌های نحوی قرآن با عوامل منظور شناختی و فرازبانی است. از دیگر دستاوردهای این تحقیق عدم تعمیم‌پذیری مقولاتی است که هالیدی در زمینه آغازگر در انگلیسی بیان می‌کند. پوراابراهیم (۱۳۸۸) به بررسی زبان‌شناختی استعاره‌جهتی بالا/پایین در نیمه اول قرآن بر اساس رویکرد معنی‌شناسی شناختی می‌پردازد. عبارات استعاری قرآنی که حاوی کانون‌های استعاری مثل «هبط»، «علی»، «اعلی»، «دون» و «فوق» هستند، در این عبارات شناسایی شده‌اند تا بررسی شوند که اولاً: در زبان قرآن، کدام تصورات انتزاعی دینی، با توسل به مفاهیم عینی جهتی بالا و پایین‌تصورسازی شده‌اند؟ ثانیاً، چه ارتباط نظام‌مندی میان این دسته از عناصر وجود دارد؟ نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که مفاهیم انتزاعی قدرت، بیشتر و بهتر در بالای

یک خط عمودی قرار دارند و مفاهیم و تصوراتی چون ضعف، کمتر و بدتر در پایین قرار دارند. مبنای تجربی این استعاره، فرهنگ قرآن و حرکت جسمانی انسان است.

حق‌پناه (۱۳۸۹) به بررسی نشانه‌شناختی نظام دلالتی واژگان در جزء اول قرآن کریم پرداخته است. او بیان می‌دارد که آنچه در علم نشانه‌شناسی به عنوان عنصر اصلی و مفهوم مرکزی قلمداد می‌شود، نشانه است؛ نشانه‌ای که گاه ممکن است منش کلامی به خود گیرد و گاه تصویری و ...؛ نظریه‌پردازان این حوزه، واژگان و الفاظ را نشانه‌های زبانی می‌دانند، بنابراین متون مجموعه‌ای متشکل از همین نشانه‌های لفظی خواهند بود. نشانه‌شناسان الگوهای نشانه‌ای مختلفی ارائه کرده‌اند که در این میان، مؤلفه‌ی دلالت و معنا، پیوسته به عنوان یک رکن اصلی و اساسی از جایگاهی محفوظ برخوردار است. متن شریف قرآن کریم که کلام پروردگار متعال می‌باشد، از نشانه‌های لفظی تشکیل شده است، بر این اساس به واژگان قرآنی از زاویه‌ی علم نشانه‌شناسی و به ویژه با در نظر داشتن امر دلالت و معنا نگریسته شده است.

روش‌شناسی

نقش‌گرایی یکی از رویکردهای مطرح در زبان‌شناسی است که در کنار دو رویکرد صورت‌گرایی و شناختی مطرح است. نقش‌گرایان بر نقش‌های اجتماعی و بافتی در زبان تاکید می‌کنند و معتقدند که وظیفه اصلی زبان، ایجاد ارتباط است، بدین معنی که نگاهی ارتباطی به زبان دارند. از دید آنان همین ایجاد ارتباط و داشتن تعامل‌های اجتماعی است که نیاز بشر به زبان و فراگیری آن را توجیه می‌کند. علی‌رغم زبان‌شناسی زایشی که جمله‌بنیاد است و جمله و بند را محور مطالعات زبان‌شناسی قرار می‌دهد، رویکرد نقش‌گرا گفتمان‌بنیاد است، به جمله به عنوان آخرین واحد مطالعه نمی‌نگرد و به تحلیل متن می‌پردازد (کروبر ۲۰۱۱). بزرگان مکتب نقش‌گرایی افرادی چون گرایس^۱، کونو^۲، هایمز^۳، وان ولین^۴، آستین^۵، هاپر^۶ و برجسته‌ترین نظریه‌پرداز این مکتب یعنی مایکل هالیدی^۷ هستند.

^۱ Grice

^۲ Konno

^۳ Hymes

^۴ Van Valin

^۵ Austin

^۶ Hopper

^۷ Michael Halliday

در این مقاله نیز سعی می‌شود تا با تکیه بر رویکرد نقش‌گرایی هالیدی، به بررسی افزوده‌های حاشیه‌ای دو سوره از سوره‌های قرآن کریم (مائده و یوسف) پرداخته شود؛ ابتدا افزوده‌های بکار رفته در سوره‌های مذکور را استخراج نموده، نوع آنها را تعیین می‌کنیم، سپس با توجه به بسامد وقوع هر نوع افزوده و ذکر آمار آن در سوره‌های مذکور، به تفسیر آیات دارای افزوده می‌پردازیم و دلایل وجود افزوده‌ها را با توجه به بسامد بالا یا پایین هریک بررسی می‌کنیم.

چارچوب و مفاهیم نظری

هالیدی (۲۰۰۴) تمامی نقش‌های زبان را نقش‌های اجتماعی می‌داند. او به مفهوم بافت موقعیت پایبند است و اجزای این بافت را این‌گونه معرفی می‌کند: ۱- موضوع سخن^۱ (راجع به چه چیزی می‌خواهیم صحبت کنیم؟)، ۲- شرکت کنندگان در سخن^۲ (چه کسانی با هم صحبت می‌کنند؟) و ۳- شیوه سخن^۳ (کانال ارتباطی چیست و نحوه چینش گفتار چگونه است؟) که هر بند حتماً بازنمایی سه گونه فوق را دارا است. هالیدی بازنمایی موضوع در حوزه معنا را *فرانقش اندیشگانی*^۴ می‌نامد. وی بازنمایی شرکت‌کنندگان در حوزه معنا را در قالب *فرانقش بینافردی*^۵ توضیح می‌دهد و در نهایت بازنمایی شیوه در این حوزه را تحت عنوان *فرانقش متنی*^۶ معرفی می‌کند (هالیدی و متیسن ۲۰۰۴: ۶۱).

فرانقش اندیشگانی زبان ناظر است بر تجربه سخن‌گویان از جهان بیرون و درون زبان. این نقش، درک و دریافت ما را از واقعیت و در نتیجه تجربه ما را سازمان بندی می‌کند، چگونگی نگرش ما را به جهان رقم می‌زند و از تجربه آدمی از جهان واقع سخن می‌گوید (هالیدی و متیسن ۲۰۰۴: ۵۲۹).

¹ field

² tenor

³ mode

⁴ experimental metafunction

⁵ interpersonal metafunction

⁶ textual metafunction

فرانقش اندیشگانی نگرش گوینده را نسبت به جهان رقم می‌زند، جهان بینی وی را منتقل می‌کند و محتوای گزاره‌ای هر بند را بررسی می‌کند. این فرانقش به این سؤال که اهل زبان چگونه تجارب خود از جهان را به مفاهیم تبدیل می‌نمایند، پاسخ می‌دهد. در این فرایند به سه نقش اصلی ۱- فرایند^۱ ۲- شرکت‌کنندگان^۲ و ۳- افزوده‌های حاشیه‌ای اشاره می‌شود (هالیدی و متیسن ۲۰۰۴: ۱۷۵). نوع فرایند در قالب فعل آن بند تجلی پیدا می‌کند که ممکن است مادی، ذهنی، رابطه‌ای، کلامی، وجودی یا رفتاری باشد. شرکت‌کنندگان نیز همان افراد درگیر در ارتباط زبانی هستند.

افزوده‌های حاشیه‌ای که موضوع اصلی بررسی حاضر می‌باشد، سومین نقش از سه نقش اصلی فرانقش اندیشگانی محسوب می‌شود. در دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۳ (SFG) مطرح شده توسط هلیدی سه نوع افزوده داریم: ۱- افزوده‌های پیوندی یا ربطی^۴ ۲- افزوده‌های وجهی^۵ که خود بر بر دو نوع است. ۳- افزوده‌های حاشیه‌ای (تامپسون ۲۰۱۳: ۶۷).

در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، افزوده عنصری است که امکان فاعل شدن را ندارد و معمولاً به صورت گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی و یا بندهای وابسته ظاهر می‌شود. افزوده‌های حاشیه‌ای حاوی اطلاعات حاشیه‌ای درباره متن هستند، آزادانه در همه انواع فرایندها وجود دارند و در همه جا از اهمیت یکسانی برخوردارند؛ اما ترکیباتی نیز وجود دارند که از احتمال وقوع و تعبیرهای خاص کمتری برخوردارند. میان مقوله شرکت‌کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای انسجام وجود دارد و این انسجام میان صورت‌هایی است که این دو موضوع توسط آنها شناخته می‌شوند. عنصر حاشیه‌ای فرایندی است که بصورت زائده‌ای خود را درون فرایندی دیگر جای می‌دهد. (هالیدی و متیسن ۲۰۰۴: ۲۶۱).

افزوده‌های حاشیه‌ای معرفی شده توسط هالیدی (۲۰۰۴) ۹ نوع هستند:

۱- /افزوده‌های حد و اندازه^۶ که بیان‌کننده فاصله^۷، مقدار زمان^۸ و بسامد^۱ است. افزوده‌های حد و اندازه و موقعیت، فرایندها را در فضا و زمان تعبیر می‌کنند. حد و اندازه بیان‌کننده

¹ process

² participant

³ Systemic Functional Grammar

⁴ conjunctives

⁵ modal adjuncts

⁶ extent

⁷ distance

⁸ duration

فاصله، مقدار زمان و بسامد است که بیانگر فاصله‌ای در فضا یا مدتی در مقیاس زمان است. ساختار این افزوده‌ها، نوعی گروه اسمی است به همراه یک کمیت‌نما که می‌تواند مشخص یا نامشخص باشد و ممکن است با یک حرف اضافه یا بدون آن پدیدار شود.

۲- *افزوده‌های موقعیت*^۲ که مکان^۳ و زمان^۴ انجام کار یا رویداد حالتی را مشخص می‌کنند؛ مکانی که در آن جا یا زمانی که در آن وقت فرایندی آشکار می‌شود. پرسش‌واژه‌های کلی موقعیت، "کجا" و "چه وقت" هستند. مکان نه تنها موقعیت ثابت در فضا که مبدأ، مسیر و مقصد حرکت را نیز در بر می‌گیرد. زمان نیز تنها مبین موقعیت در زمان نیست، بلکه قیاس‌های زمانی مبدأ، مسیر و مقصد را نیز آشکار می‌سازد. ساختار نوعی این نوع افزوده یک گروه قیدی یا یک گروه حرف اضافه‌ای است. افزوده‌های موقعیت ممکن است مشخص یا نامشخص، مطلق یا نسبی، ساکن یا در حال حرکت باشند.

۳- *عنصر حاشیه‌ای* حالت^۵، شیوه تحقق یافتن فرایند را تعبیر می‌کند. افزوده حالت چهار زیر بخش را شامل می‌شود که عبارتند از: وسیله^۶، کیفیت^۷، مقایسه^۸ و درجه^۹. وسیله به نقش مشارکتی کنشگر نزدیک است و مقایسه شبیه شرکت‌کننده در یک بند با فرایندی مشابه است، در حالیکه کیفیت و درجه شبیه ویژگی‌های خود فرایند هستند. وسیله و مقایسه با وجود عبارت حرف اضافه‌ای تشخیص داده می‌شوند، حال آنکه گروه‌های قیدی مشخص کننده درجه و کیفیت هستند.

الف) وسیله به ابزاری اشاره دارد که توسط فرایند مشخص می‌شود و با عبارات "با چه وسیله" یا "چگونه" درمورد آن سؤال می‌شود.

ب) کیفیت با پرسش‌واژه "چگونه" مورد سؤال قرار می‌گیرد و همانگونه که گفته شد توسط گروهی قیدی بیان می‌شود.

¹ frequency

² Location

³ Place

⁷ time

⁸ manner

⁹ means

¹⁰ quality

¹¹ comparison

¹² degree

ج) مقایسه نیز با اصطلاحاتی همچون "مشابه با ... " یا "متفاوت با ... " بیان می‌شود و با عبارت "مشابه چه چیز" در مورد آن سؤال می‌شود.

د) گروه قیدی مبین درجه نیز می‌تواند اصطلاحاتی چون "عمیقاً"، "کاملاً"، "زیاد" یا "کم" که با "چه مقدار" مورد پرسش قرار می‌گیرد.

۴- افزوده‌های سبب (انگیزه) ^۱ شامل دلیل انجام کار ^۲، هدف از انجام کار ^۳ و فرد پذیرای عمل عمل انجام شده (ذینفع) ^۴ می‌باشد. عنصر حاشیه‌ای انگیزه در پی یافتن دلیل رخداد است که نه‌تنها دلیل که هدف تحقق فرایند را نیز جويا می‌شود. سه زیربخش این عنصر عبارتند از:

الف) دلیل که بیان‌کننده علت اتفاق است و مفهوم "زیرا" یا "به/این دلیل که" را منتقل می‌کند. این عنصر با عبارتی حرف‌اضافه‌ای قابل بیان است.

ب) هدف: بیان‌کننده هدف انجام کار یا رخداد حالتی است و مفهوم "بدین منظور که" را منتقل می‌کند و با عبارتی نظیر "بدان/امید که" یا "بدین منظور که" بیان می‌شود.

ج) ذینفع: اشاره به شخصی دارد که به خاطر او یا به سودش عملی انجام پذیرفته است. این عنصر با وجود حرف اضافه "برای" در عباراتی همچون "برای خاطر ..."، "برای ... " یا "به سود ... " و در حالت منفی "در مقابل ... " در متن قابل تشخیص است.

۵- افزوده حاشیه‌ای احتمال ^۵ عنصری است که تحقق فرایند به آن بستگی دارد. این عنصر نیز همانند عنصر سبب سه زیربخش را شامل می‌شود:

الف) شرط ^۶: شرایطی را تعبیر می‌کند که دست یافتن به آن‌ها به منظور تحقق فرایند ضروری است و در برگیرنده مفهوم "اگر" است. این عنصر با اصطلاحاتی نظیر "در صورتیکه ... " و "به شرط آنکه ... " قابل شناسایی است.

پیش فرض ^۷: تداعی‌کننده شروط منفی است که برای بیان قصور و غفلت در متن از حروف اضافه "وگرنه ... " و "مگر/اینکه ... " استفاده می‌شود.

¹ cause

² reason

³ purpose

⁴ behalf

⁵ contingency

⁶ condition

⁷ default

- ج) سازش یا توافق^۱: تعبیر کننده ناکامی یا بی‌نتیجه بودن است و دربرگیرنده مفهوم "اگرچه" با استفاده از حروف اضافه "علیرغم..." یا "برخلاف..." می‌باشد.
- ۶- افزوده همراهی^۲ نشان دهنده حضوری مشترک در یک فرایند است و معانی "و"، "یا" و "بدون..." را نشان می‌دهد. این افزوده به دو زیربخش تقسیم می‌شود:
- الف) هم‌کنش^۳: نمایانگر مثالی واحد از یک فرایند است درحالی‌که در آن دو موضوع مشارکت دارند. در این موارد ممکن است دو موجود عنصری واحد را شکل دهند یا اینکه هر دو به تنهایی شرکت کننده در فرایند باشند و تشکیل موجودی واحد ندهند. این عناصر با حروف اضافه‌ای چون "با..." یا "به همراه..." قابل تشخیص در متن هستند.
- ب) افزودنی^۴: نشان‌دهنده فرایندی است که در آن دو موجود، مشخصاً یک نقش مشابه مشارکتی را با یکدیگر تقسیم می‌کنند، اما به منظور نمایش تضاد، یکی از دو موضوع در حاشیه متن واقع می‌شود.
- ۷- افزوده نقشی^۵ که ظاهراً^۶ و محصول^۷ را نشان می‌دهد. این افزوده حاشیه‌ای دو مفهوم "بودن" یا "شدن" را دربرمی‌گیرد:
- الف) ظاهر: دربرگیرنده مفهوم بودن است و به چه عنوان را پاسخ می‌دهد که با حرف اضافه "به عنوان..." بیان می‌شود.
- ب) محصول: وجود این عنصر در متن پاسخ دهنده به عبارت پرسشی "به چه چیز؟" است و همانگونه که اشاره شد مفهوم شدن یا تبدیل شدن را نمایش می‌دهد.
- ۸- افزوده‌های موضوعی^۸ که بیان کننده ذات و ماهیت انجام کار هستند. این افزوده با فرایندهای فعلی متن در ارتباط است و با عبارت پرسشی "درباره چه چیز؟" مورد سؤال واقع می‌شود. این افزوده تنها عنصری است که هیچ زیربخشی را شامل نمی‌شود و با عبارات اضافه‌ای همچون "درباره..."، "با اشاره به..." یا "با ارجاع به..." در متن بیان می‌شود.

1 concession
2 accompaniment
3 comitative
4 additive
5 role
6 guise
7 product
8 matter

۹- زاویه دید ۱ آخرین افزوده معرفی شده در کتاب هالیدی است. این عنصر می‌تواند با گوینده بند فعلی یا حس کننده بند ذهنی متن مرتبط باشد که به ترتیب منبع ۲ و نقطه نظر ۳ نامیده نامیده می‌شوند (هالیدی و متیسن ۲۰۰۴: ۲۷۷-۲۶۳).

قبل از اینکه به تجزیه و تحلیل داده‌ها بپردازیم، ذکر چند نکته ضروری است: در بررسی داده‌ها مشخص گردید که در موارد اندکی همپوشی در میان افزوده‌ها، وجود دارد. به این معنی که برخی موارد را می‌توان به دو نوع افزوده نسبت داد. در مواردی نیز تشخیص نوع افزوده به دلیل تقسیم‌بندی جزئی افزوده‌ها بسیار مشکل می‌نمود که با مراجعه به آیات قبل و بعد، نوع افزوده تعیین شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

قبل از ورود به ارائه و بررسی داده‌ها ضرورت دارد تا دو سوره منتخب این جستار به طور مختصر معرفی شوند. سوره یوسف از سوره‌های مکی و دارای یکصد و یازده آیه است. نام حضرت یوسف^(ع) ۲۷ مرتبه در قرآن آمده که ۲۵ مرتبه آن در همین سوره است. آیات این سوره به هم پیوسته و در چند بخش جذاب و فشرده داستان زندگی یوسف را از کودکی تا رسیدن به مقام خزانه‌داری کشور مصر، عفت و پاکدامنی او، خنثی شدن توطئه‌های مختلف علیه او و جلوه‌هایی از قدرت الهی را مطرح می‌کند. داستان حضرت یوسف^(ع) فقط در همین سوره از قرآن آمده، درحالی‌که داستان پیامبران دیگر در سوره‌های متعدد نقل شده است. قرآن در داستان یوسف بیشتر به شخصیت خود او در گذر از کوران حوادث می‌پردازد، درحالی‌که در داستان پیامبران دیگر، بیشتر به سرنوشت مخالفان و لجاجت و هلاکت آنان اشاره نموده است. محتوای این سوره بر خلاف سوره‌های دیگر قرآن همگی به هم پیوسته و بیان فرازهای مختلف یک داستان است، که در بیش از ده بخش با بیان فوق‌العاده گویا، جذاب، فشرده، عمیق و مهیج آمده است (تفسیر نمونه، ص ۱۴۳).

¹ angle

² source

³ viewpoint

سوره مائده از سوره‌های مدنی است و یکصد و بیست آیه دارد. این سوره چند ماه پیش از رحلت رسول اکرم(ص) نازل شده و هیچ یک از آیات آن نسخ نگشته است. این سوره به خاطر دعای حضرت عیسی (ع) برای نزول مائده آسمانی که در آیه ۱۱۴ آمده "مائده" نامیده شده است، البته به "عهد" و "عقود" نیز نامگذاری شده، در مجموع آیات این سوره نسبت به یک پیمان‌شکنی مهم هشدار می‌دهد. بیشترین خطاب "یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا" در این سوره است، مثلاً در سوره بقره یازده مرتبه ولی در این سوره شانزده مرتبه آمده است (تفسیر نمونه، ص ۲۲۷).

بررسی و مقایسه افزوده‌ها در سوره‌های یوسف و مائده

در پژوهش‌هایی از این دست، انتخاب ترجمه‌ای که بیشترین قرابت را با متن اصلی قرآن داشته باشد، بسیار حائز اهمیت است. اصولاً، درباره ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر، سه مسأله مطرح است: نخست این که آیا ترجمه کلام خدا امکان دارد؟ کلامی که در نهایت بلاغت و ایجاز است و برای هدایت مردم نازل گردیده و از لحاظ نظم و اسلوب و در لفظ و معنی معجزه‌های جاویدان است و بشریت را تحدی کرده که اگر می‌توانند مانند آن را بیاورند. دوم اینکه اگر هم چنین کاری به طور نسبی - و نه از تمام جهات - ممکن باشد، آیا می‌توان آن را به عنوان قرآن و کتاب مسلمانان عرضه کرد؟ همان کاری که اهل کتاب می‌کنند و ترجمه‌های عهدین را به عنوان تورات و انجیل قلمداد می‌نمایند. سوم اینکه نظر شرع در این باره چیست؟ آیا بر ترجمه نیز همان احکام و آثار شرعی که اصل قرآن دارد، جاری است؟ مانند تلاوت قرائت آن در نماز و سایر احکامی که به قرآن اختصاص دارد.

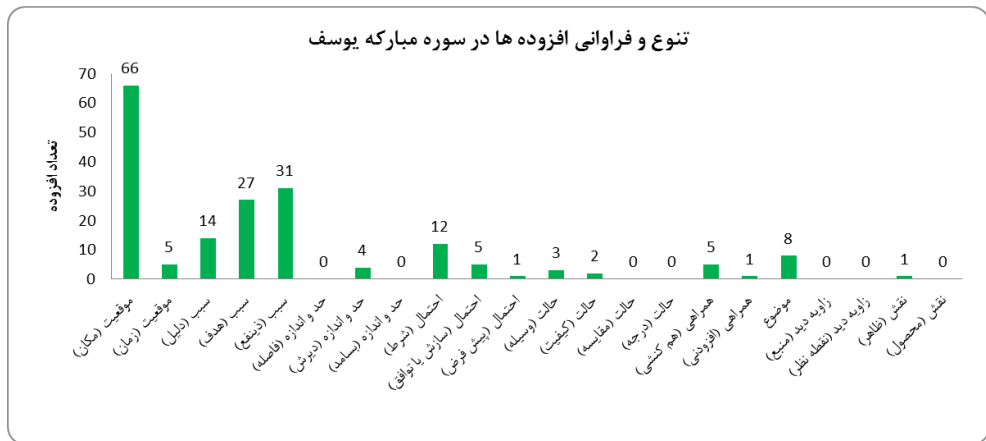
در ترجمه سه روش وجود دارد: ۱- ترجمه معنوی یا ترجمه تفسیری غیرمشروح که به آن ترجمه آزاد هم گفته می‌شود و به نظم زبان اصلی مقید نیست؛ ۲- ترجمه حرفی یا ترجمه تحت‌اللفظی، که گرچه آن را چندان پسندیده و موفق نمی‌دانند، لیکن برای برخی مقاطع آموزشی و نیز پژوهشی مفید است. ۳- ترجمه تفسیری مشروح که این روش به شرح و تفسیر نزدیک‌تر است تا ترجمه. در این تحقیق بنابر نیاز، تقید به متن اصلی از نوع دوم ترجمه و از ترجمه محمد کاظم معزی استفاده شده است.

در سوره‌های مبارکه مائده و یوسف به ترتیب ۴۴۲ و ۳۵۰ مورد افزوده از انواع مختلف بکار رفته است که در نمودارهای ۱ و ۲ تنوع و فراوانی آن‌ها در هر کدام نشان داده شده و متن کامل یک آیه از هر سوره به عنوان نمونه در زیر آورده شده است.

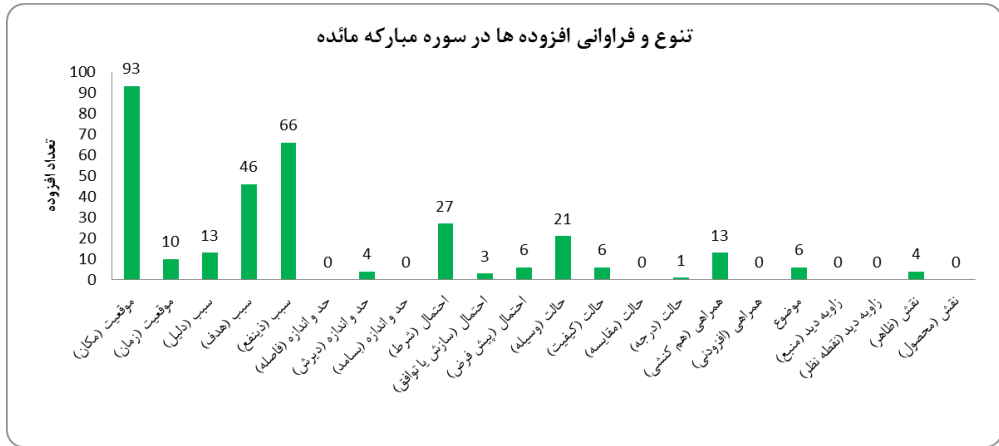
- امروز^(۱) حلال شده برای شما^(۲) پاکیزه‌ها و خوراک آنان که داده شدند کتاب را حلال است برای شما^(۳) و حلال است خوراک شما برای آنان^(۴) و افراد پارسا از زن‌های مؤمن و زنان پارسا از آنان که داده شد به آنها کتاب پیش از شما (بر شما حلالند) هرگاه بدهید به ایشان مزدهای ایشان را درحالی‌که^(۵) پارسا باشید نه زناکاران و نه گیرندگان یار و آن کس که کافر شد به ایمان خود مسلماً تباہ شده است کردار او و او در آخرت^(۶) از زیان‌کاران است (سوره مائده، آیه ۵)

- و گفت آن که خریدش در مصر^(۷) به زن خود گرمی دار جایگاه او را شاید سودی به ما دهد^(۸) یا برگیریمش به عنوان فرزندی^(۹) و بدین‌سان^(۱۰) فرمانروایی دادیم به یوسف در زمین^(۱۱) و تا بیاموزیمش^(۱۲) از تعبیر خواب‌ها و خدا چیره است بر کار خویش و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (سوره یوسف، آیه ۲۱)

توضیح: (۱) و (۶) موقعیت (زمان)، (۲)، (۳) و (۴) سبب (ذینفع)، (۵) شرط (سازش و توافق)، (۷) و (۱۱) موقعیت (مکان)، (۸) سبب (هدف)، (۹) نقش (ظاهر)، (۱۰) حالت (کیفیت)، (۱۲) سبب (دلیل).



نمودار ۱- تنوع و فراوانی افزوده‌ها در سوره مبارکه یوسف



نمودار ۲- تنوع و فراوانی افزوده‌ها در سوره مبارکه مائده

افزوده سبب (انگیزه)

از نظر تعداد، افزوده انگیزه که دلیل، هدف و دینفع را شامل می‌شود، در هر دو سوره نسبت به افزوده موقعیت دارای فراوانی بیشتری است: ۱۲۵ مورد در سوره مائده و ۷۲ مورد در سوره یوسف.

در روایات این‌گونه ذکر شده است که مردی از امام صادق(ع) پرسید: "چرا قرآن بر اثر کثرت انتشار و تکرار تلاوت و تدریس کهنه نمی‌شود، بلکه هر روز شاداب‌تر است؟" امام در پاسخ فرمود: "زیرا خداوند متعال آن را برای زمان معین و گروه خاصی قرار نداده (مخاطبین آن تمام انسان‌ها در طول تاریخ هستند) به همین دلیل در هر زمان تازه است و تا روز قیامت نزد هر قومی باطراوت و شاداب می‌باشد" (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۵).

خداوند متعال در هر دو سوره به کرات نوع بشر را مورد خطاب قرار داده که ممکن است این بشر بطور خاص حضرت یوسف، پدر و برادرانش باشند یا همچون آیات سوره مائده تمامی انسان‌ها را دربرگیرد.

در مورد کثرت این نوع افزوده در سوره مائده نسبت به سوره یوسف بر اساس تفاوت‌های میان سوره‌های مکی و مدنی، شاید بتوان این‌گونه قضاوت کرد که سوره یوسف دارای مخاطب و هدف خاص بوده (حضرت یوسف، پدر و برادرانش) و در کمتر مواردی به دیگر انسان‌ها نیز اشاره شده است. در حالی‌که در سوره مدنی مائده همه مؤمنین و بر اساس آنچه ویژگی

سوره‌های مدنی است، اهل کتاب، مخاطب و هدف آیات و خطابه‌ها هستند. در سوره یوسف از ۳۳ مورد افزوده ذینفع حدود ۲۰ مورد آن به حضرت یوسف و خاندان او باز می‌گردد.

افزوده موقعیت

افزوده‌های موقعیت، زمان و مکان را شامل می‌شوند که در هر دو سوره، زیر بخش مکان، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. یکی از دلایل استفاده بسیار خداوند از افزوده‌های مکان در قرآن، می‌تواند اشاره به این نکته باشد که خداوند همیشه و همه جا (هر زمان و هر مکان) با ما است و از آنچه انجام می‌دهیم، آگاه است و دیگر اینکه خداوند بر کل آسمان‌ها و زمین تسلط دارد و همانگونه که در قرآن نیز فرموده است "حکومت آسمان‌ها و زمین در دست او است و بازگشت همه امور به سوی او است" (سوره حدید، آیه ۵).

همچنین واضح است که خداوند با استفاده بسیار از افزوده‌های مکان و زمان متنهایی بودن موجودات و بندگان خویش را گوشزد می‌کند، که می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که یکی از اهداف خداوند در استفاده از این افزوده‌ها قابل درک نمودن قرآن برای بندگان است، چرا که موجود محدود همواره در نقطه خاص و زمان معین قرار می‌گیرد. اما خداوند به عنوان وجودی نامتناهی از نظر زمان و مکان در همه جا و همه وقت حاضر است. مسلماً مخلوقی که در دل زمان و مکان باشد، وسعت دید او نیز کم و محدود است، ولی موجود خالق به چیزی مقید نبوده و دید و قدرتی نامتناهی دارد.

از طرف دیگر می‌بینیم که سوره مکی یوسف با ۱۱۱ آیه ۷۱ افزوده موقعیت (مکان و زمان) دارد، اما سوره مدنی مائده با وجود ۱۲۰ آیه شامل ۱۰۳ افزوده موقعیت است.

افزوده احتمال

پس از افزوده سبب و موقعیت، افزوده احتمال بیشترین فراوانی را در هر دو سوره به خود اختصاص داده است. در سوره یوسف ۱۸ مورد و در سوره مائده ۳۶ مورد از این نوع افزوده‌ها یافت شد.

افزوده حالت

افزوده‌های حالت که وسیله، کیفیت، مقایسه و درجه را شامل می‌شوند، در این دو سوره از نظر تعداد، پس از افزوده‌های سبب و موقعیت و احتمال قرار می‌گیرند. اما در هیچ یک از دو سوره نمونه‌ای از افزوده مقایسه بکار نرفته است و تنها در سوره مائده ۱ نمونه افزوده درجه مشاهده شد. موارد یافت شده از افزوده حالت در سوره یوسف تنها ۵ مورد و در سوره مائده ۲۴ مورد است. دلیل این موضوع را این‌گونه می‌توان عنوان کرد که بدین دلیل که سوره یوسف از سوره‌های مکی قرآن کریم است و یکی از ویژگی‌های این سوره‌ها، ایجاز در خطاب‌ها و بیان قصص انبیاء پیشین با وجود همین ایجاز است، پس خداوند با استفاده کمتر از این نوع افزوده، در این سوره، پیام را در کمال ایجاز به بندگان منتقل کرده است. یکی از افزوده‌های حالت (وسیله) که در سوره یوسف بکار رفته است عبارت- به زبان عربی- است.

افزوده حد و اندازه

از ۳ نوع افزوده حد و اندازه تنها ۱ نوع آن یعنی افزوده مقدار زمان در هر دو سوره یوسف و مائده یافت شد و موردی از افزوده فاصله و بسامد به چشم نخورد. تعداد این نوع افزوده در هر دو سوره تنها ۴ مورد است.

سایر افزوده‌ها

افزوده‌های باقیمانده در دو سوره فوق عبارتند از همراهی، نقشی، موضوع و زاویه دید که به ترتیب زیر در هر دو سوره مشاهده شده‌اند:

افزوده همراهی: سوره یوسف ۵ مورد، سوره مائده ۱۳ مورد.

افزوده موضوع: سوره یوسف ۸ مورد، سوره مائده ۶ مورد.

افزوده نقش: سوره یوسف ۱ مورد، سوره مائده ۴ مورد.

افزوده زاویه دید: در هر دو سوره موردی یافت نشد.

تنوع و فراوانی به همراه چند مثال از افزوده‌های استخراج شده سوره‌های مبارکه مائده و یوسف در جدول ۱ و تعداد و درصد فراوانی کلی انواع آن‌ها بدون زیر بخش در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۱- تنوع و فراوانی به همراه چند مثال از افزوده‌های استخراج شده از سوره‌های مبارکه مائده و یوسف

| سوره یوسف (مکی) | | سوره مائده (مدنی) | | |
|---------------------------|---------|--------------------------------|---------|------------------------|
| مثال (به همراه شماره آیه) | فراوانی | مثال (به همراه شماره آیه) | فراوانی | نوع افزوده |
| در مصر (۲۱) | ۶۶ | در آخرت (۵) | ۹۳ | موقعیت (مکان) |
| بامداد (۱۲) | ۵ | روز قیامت (۳۶) | ۱۰ | موقعیت (زمان) |
| که هستی تو (۲۹) | ۱۴ | که نافرمانی و تجاوز کردند (۷۸) | ۱۳ | سبب (دلیل) |
| که به زندانش افکنند (۳۵) | ۲۵ | تا بیازماید (۴۸) | ۴۶ | سبب (هدف) |
| برای او (۶۳) | ۳۳ | برای مؤمنان (۴۶) | ۶۶ | سبب (ذینفع) |
| - | ۰ | - | ۰ | حد و اندازه (فاصله) |
| به زودی (۹۸) | ۴ | سه روز (۸۹) | ۴ | حد و اندازه (دیرش) |
| - | ۰ | - | ۰ | حد و اندازه (بسامد) |
| اگر باشید (۷۴) | ۱۲ | اگر هستید مومنان (۱۱۲) | ۲۷ | احتمال (شرط) |
| مگر آنکه (۶۶) | ۵ | مگر عده کمی (۱۳) | ۳ | احتمال (سازش یا توافق) |
| اگر نمی‌دید (۲۴) | ۱ | اگر به پا می‌داشتند (۶۶) | ۶ | احتمال (پیش فرض) |
| به زبان عربی (۲) | ۳ | به زنجیر (۶۴) | ۱۷ | حالت (وسیله) |
| گریان (۱۶) | ۲ | به سختی (۳۳) | ۶ | حالت (کیفیت) |
| - | ۰ | - | ۰ | حالت (مقایسه) |
| - | ۰ | در حد متوسط (۸۹) | ۱ | حالت (درجه) |
| با شما (۶۶) | ۵ | همراه شما (۵۳) | ۱۳ | همراهی (هم کنش) |
| به جای او (۷۸) | ۱ | - | ۰ | همراهی (افزودنی) |
| در مورد هفت گاو (۴۶) | ۸ | درباره هیچ (۱۰۳) | ۶ | موضوع |
| - | ۰ | به اراده من (۱۱۰) | ۰ | زاویه دید (منبع) |
| - | ۰ | - | ۰ | زاویه دید (نقطه نظر) |
| به عنوان فرزندی (۲۱) | ۱ | به روح القدس (۱۱۰) | ۴ | نقش (ظاهر) |
| - | ۰ | - | ۰ | نقش (محصول) |

جدول ۲- تعداد و درصد فراوانی انواع افزوده‌ها بدون زیر بخش در سوره‌های مبارکه مائده و یوسف

| سوره مبارکه یوسف | | سوره مبارکه مائده | | نوع افزوده (بدون زیر بخش) |
|------------------|-------|-------------------|-------|------------------------------|
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۳۸.۴ | ۷۱ | ۳۲.۳ | ۱۰۳ | موقعیت |
| ۳۸.۹ | ۷۲ | ۳۹.۲ | ۱۲۵ | سبب |
| ۲.۲ | ۴ | ۱.۳ | ۴ | حد و اندازه |
| ۹.۷ | ۱۸ | ۱۱.۳ | ۳۶ | احتمال |
| ۲.۷ | ۵ | ۷.۵ | ۲۴ | حالت |
| ۳.۲ | ۶ | ۴.۱ | ۱۳ | همراهی |
| ۴.۳ | ۸ | ۱.۹ | ۶ | موضوع |
| ۰.۰ | ۰ | ۰.۰ | ۰ | زاویه دید |
| ۰.۵ | ۱ | ۱.۳ | ۴ | نقش |

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر افزوده‌های حاشیه‌ای دو سوره مائده و یوسف به عنوان نمایندگان سوره‌های مدنی و مکی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. افزوده‌های حاشیه‌ای در متون مختلف کارکردهای مشابهی دارند. این کارکردها در متن قرآن کریم نیز مشاهده می‌شود. گاهی با ارائه اطلاعات و جزئیات بیشتر، ابهام‌زدایی می‌کنند، چگونگی انجام یک فرایند را بطور دقیق توصیف می‌کنند و با حضور خود در متن، محتوای تجربی آن را بالا می‌برند. البته نوع جزئیات و اطلاعات با توجه به اهداف متن و تولیدکننده متن متفاوت است.

نتایج بررسی نشان داد که افزوده‌های سبب درکل و در هر دو سوره بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. جزئیاتی از جنس سبب، علت و انگیزه یک عمل، نشان دهنده توجه ویژه پروردگار به منشأ و سبب امور و دعوت مخاطبان به تدبیر و تعمق در این امور است. از طرف دیگر خداوند متعال انسان را موجودی مختار آفریده و از عقل به عنوان رسول درونی یاد می‌کند که سبب و انگیزه هر چیز را بر وی روشن می‌کند. از این رو بیان سبب امور را در کتاب خود در کثرت قرار داده است. پس از افزوده‌های انگیزه، انواع افزوده‌های موقعیت و احتمال دارای بیشترین فراوانی هستند که این موضوع با توجه به مدنی بودن سوره مائده و طولانی بودن سوره و آیات آن قابل توجیه است. دیگر اینکه انسان موجودی متناهی و محدود به مکان و زمان است و با وجود همین محدودیت است که جهان برای او قابل لمس و درک می‌شود، پس بسامد بالای افزوده‌های موقعیت در آیات شریفه این دو سوره نیز می‌تواند دلیلی باشد بر درک بهتر قرآن برای موجودی محدود همچون انسان. کمترین فراوانی‌ها نیز متعلق به افزوده‌های نقش و زاویه دید هستند که در مقایسه با جزئیات مربوط به سبب، موقعیت و احتمال دارای بار تجربی کمتری هستند.

منابع و مراجع

- ۱- پورابراهیم، شیرین. (۱۳۸۸) بررسی زبان‌شناختی استعاره جهت‌ی بالا/پایین در زبان قرآن رویکرد معنی‌شناسی شناختی. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. پایگاه مجلات تخصصی نور.
- ۲- پیمانی، محسن. (۱۳۷۶) تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در مکالمات قرآن مجید. دانشگاه شیراز.
- ۳- حق‌پناه، یونس. (۱۳۸۹) بررسی نشانه‌شناختی نظام دلالتی واژگان در جزء اول قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق) بحارالانوار. نشر الوفاء بیروت.
- ۵- مصفا جهرمی، ابوالفضل. (۱۳۸۰) سازماندهی آغازگر در متون داستانی و غیرداستانی قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- ۶- مطیع، مهدی. (۱۳۷۹) پیوستگی معنایی آیات در سوره قرآن کریم و راههای مطالعه آن (بررسی موردی: ۱۴ سوره از قرآن کریم). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق.
- ۷- معزی، محمد کاظم. (۱۳۹۰) ترجمه قرآن کریم. نشر صابرین.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر و گروه مؤلفان. (۱۳۹۴ق) تفسیر نمونه. نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۹- منصوری، مهرزاد. (۱۳۷۵) اشارات زبانی در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

10- Grice, Paul. (1975) **Logic and conversation**. University of California, Berkeley.

11- Haegeman, Liliane. (2006) **Thinking syntactically**. A guide to argumentation and analysis. Oxford, Blackwell.

- 12- Halliday, Michael. (1994) **An Introduction to Functional Grammar, London, Arnold.**
- 13- Halliday, Michael and Hasan, Ruqaiya. (1976) **Cohesion in English. London, Longman.**
- 14- Halliday, Michael and Matthiessen, Christian. (2004) **Introduction to Functional Grammar, 3rd Edition. Hodder Arnold pub.**
- 15- Kröber Franz. (2011) **Structuralism, Formalism and Functionalism, Differences and Similarities between the Linguistics Schools. Grin Verlag GmbH.**
- 16- Leech, Geoffrey. (1983) **Principles of pragmatics. Longman Group Ltd.**
- 17- Thompson, Geoff. (2013) **Introducing Functional Grammar. Routledge: Taylor and Francis.**

